



شهرداد ائنی عشری
shahrad42@yahoo.com

خبری خود کوشیدند آتش‌بیار معرکه شوند و کروی را شایسته‌تر از خاتمی نشان دهند.

هر چند این اقدام از یک رقیب دور از انتظار نیست و باید برای تخریب مخالفان خود از این روش‌ها استفاده کند، اما متأسفانه گروه‌های اصلاح‌طلب نیز به دام رقیب گرفتار شدند و ناخودآگاه بر شیپور اختلافات می‌دمند.

سران مشارکت، مجمع روحانیون و سازمان مجاهدین که عمدتاً از تصمیم‌گیرندگان اصلی اصلاح‌طلب محسوب می‌شوند، در مقابل حزب اعتماد ملی و شیخ اصلاحات ایستادند تا او را مجاب کنند که خاتمی فقط می‌تواند در این دوره از انتخابات مقابل احمدی‌نژاد پیروز شود، در حالی که آن طرف هم فقط اصرار بر آمدن کروی دارند. این اصرار و آن انکار در این شرایط بیش از آن که به نفع آنها تمام شود، مفید حال اصول‌گرایان خواهد بود و این فرصت را به آنها می‌دهد تا از این اختلافات به نفع خود بهره ببرند.

خامی و بی‌تجربگی برخی اصلاح‌طلبان قطعاً در انتخابات آینده آثار خود را بر جای خواهد گذاشت، زیرا به جای کنار آمدن با یکدیگر و حل و فصل اختلافات در جلسات داخلی، آن را رسانه‌ای می‌کنند و موجبات سوءاستفاده رقیب را از آن فراهم می‌آورند.

شیخ اصلاحات اگر چه تصمیم نهایی خود را به بعد از ماه مبارک رمضان موکول کرده، اما با چرخشی تاکتیکی و برای جلب آرای بخشی از اصول‌گرایان خود را یک اصول‌گرا معرفی می‌کند و حاضر هم نیست به نفع هیچ کس کنار رود!

وی در جلسه مجمع عمومی نمایندگان ادوار در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: همچنان که ۴ سال قبل به نفع هاشمی کنار نرفتم، در صورت آمدن در سال آینده هم به نفع هیچ کس کنار نخواهم رفت.

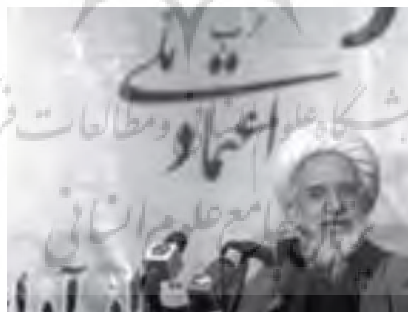
کروی که تا پیش از این انتقادهای فراوانی از اصول‌گرایان و اقدامات غیبی آنها داشت، این بار سعی کرد چهره آرام‌تری از خود ارایه کند و افزود: افتخار می‌کنم که یک اصول‌گرا هستم و این صحیح نیست که همه مشکلات فعلی را به کل اصول‌گرایان نسبت دهیم. به گفته‌ی منتقدان کروی، با این اظهارات مشخص نیست که وی همچنان در جبهه اصلاحات باقی مانده یا به جناح اصول‌گرا پیوسته است؟

ظاهراً تصمیم وی و حزب اعتماد ملی برای حضور در انتخابات بسیار جدی است، به طوری که حاضر نیستند به هیچ وجه در مقابل همکاران خود کوتاه بیایند.

رییس شاخه روحانیون این حزب در مورد برخی



نگاهی به تحولات انتخاباتی در جناح اصلاح‌طلب: خاتمی و کروی در برزخ انتخاب



**– حمایت اصول‌گرایان از کروی
نشانگر نارضایتی آنها از خاتمی
و ترجیح دادن کروی بر سایر
نامزدهای اصلاح‌طلب است**

**– کروی برای موفقیت در انتخابات
دست به دامن کارگزاران شده است**

انگار تجربه‌های تلخ (انتخابات گذشته هنوز نتوانسته برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی جناح اصلاح‌طلب را به خود آورد. در حالی که کمتر از یک سال دیگر نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود که لازمه‌ی آن پیروی احزاب و جناح‌ها از وحدت رویه و دوری از هر گونه اقدامات تفرقه‌افکنانه است، متأسفانه در هر دو جناح عمده کشور به ویژه اصلاح‌طلبان سازهای مشکوکی کوک شده که حاکی از تلاش نافرجام آنها برای رسیدن به یک نامزد مشترک است.

هر چند تاخیر سید محمد خاتمی در اعلام تصمیم خود درباره آمدن یا نیامدن، اصلاح‌طلبان را بین زمین و هوا نگاه داشته و برخی از احزاب این جناح را به جان هم انداخته، با این حال نباید از اقدامات جناح رقیب برای بهره‌برداری سوء و سیاسی از این اختلافات غافل ماند. با وجود آن که بیشتر شخصیت‌های محوری اصلاحات همواره از ضرورت برقراری تفاهم و وحدت رویه برای موفقیت در انتخابات سخن می‌گویند، با این همه هنوز طعم شیرین قدرت و مسوولیت آنها را وسوسه می‌کند تا فقط به فکر نامزد مورد علاقه‌ی خود باشند و دیگر به سایر فاکتورها از جمله مصالح ملی و آینده کشور توجهی نکنند.

یکی از مباحث اصلی مطرح شده در طول ماه گذشته که البته مورد توجه بخش عظیمی از نشریات کشور قرار گرفت، معرفی مهدی کروی دبیر کل حزب اعتماد ملی به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری است که با واکنش‌های متفاوتی از سوی جناح‌های سیاسی کشور روبرو شد. بسیاری از فعالان اصلاح‌طلب که همواره سید محمد خاتمی را ناجی کشور قلمداد می‌کنند، در برابر این اقدام حزب اعتماد ملی صف‌آرایی کردند و اعلام زود هنگام آن را مغایر مصالح این جناح دانستند. این در حالی است که طرفداران کروی نیز انتخاب سید محمد خاتمی را به عنوان نامزد مجمع روحانیون و جبهه مشارکت مورد نکویش قرار دادند و آن را زمینه‌ای برای ایجاد اختلاف بین اصلاح‌طلبان دانستند.

در این میان نکته جالبی هم وجود دارد که به مانور جناح رقیب برمی‌گردد. مخالفان اصلاحات که تا چندی پیش از تصمیم‌گیری‌ها و موضع‌گیری سیاسی دبیر کل حزب اعتماد ملی ناخرسند بودند و هر از گاهی در روزنامه‌های خود علیه نویسندگان این حزب مطلب می‌نوشتند و کروی را به دوری از آنها تشویق می‌کردند، ناگهان طرفدار وی شدند و با برجسته کردن عناوین

اظهارات مبنی بر اینکه کروی به نفع خاتمی کنار می‌رود، گفت: هیچ یک از اصلاح‌طلبان نمی‌توانند مانعی برای کاندیداتوری کروی ایجاد کنند.

میرهادی افزود: همان طور که ما خواهان کناره‌گیری کاندیدای مجمع روحانیون برای انتخابات نیستیم، بهتر است دوستان نیز رویه ما را در پیش بگیرند.

اختلافات اصلاح‌طلبان با کروی تا آنجا ادامه یافت که خبرگزاری برنا با انتشار خبری به نقل از عبدالله نصری، عضو سازمان مجاهدین خبر داد که اعضای رسمی اعتماد ملی متقاضی آمدن خاتمی هستند. در مقابل روزنامه ارگان این حزب با انتشار گزارشی بر موضع رسمی خود در دفاع از ورود کروی به انتخابات پافشاری کرد.

ناصری سپس در گفت‌وگو با این روزنامه گفت: من در آن مصاحبه اعلام کردم که اگر خاتمی به هر دلیل وارد عرصه نشود، باید نامزدی کروی مورد بررسی قرار گیرد. جدا از دامنه اختلاف کروی و اصلاح‌طلبان به نظر

می‌رسد جهت‌گیری رسانه‌های اصول‌گرا و طرفدار دولت به سمت ایجاد اختلاف میان بزرگان اصلاح‌طلب و ایجاد انشقاق بین جبهه اصلاحات است. برخی معتقدند استراتژی رسانه‌های طرفداران دولت متمرکز بر جداسازی برخی از بزرگان این جبهه مانند کروی از آن است تا از قبل این به نقشه‌های خود دست یابند. در همین حال گروه دیگری نیز بر آن عقیده‌اند که کروی با موضع‌گیری‌های اخیر خود و اینکه رسماً از اصول‌گرایی خویش خبر داد، حاکی از پیوستن وی به اردوگاه اصول‌گرایی است تا با خیال راحت‌تر و براثت جستن از اصلاح‌طلبان، حمایت بخشی از این اردوگاه را به دست آورد تا در صورت امکان بتواند جای احمدی‌نژاد را بگیرد.

طرفداران این عقیده که البته تا حدودی به تئوری توطئه‌گرایی دارند، می‌گویند کروی که به صراحت لهجه مشهور است، چندان توانایی تحمل دیدگاه‌های مخالف خود را ندارد و مصداق آن نیز جدایی وی و همکاری‌اش در اوایل انقلاب از جامعه روحانیت مبارز و تاسیس مجمع روحانیون و سپس قهر و جدایی او از این مجمع به دلیل انتخابات ریاست جمهوری دوره گذشته و تشکیل حزب اعتماد ملی است.

او در طول چهار سال گذشته با موضع‌گیری‌های سیاسی خودش مرزبندی جدیدی بین اصلاح‌طلبان ایجاد کرده، به گونه‌ای که زیر یک سقف آوردن آنها اگر نگوییم محال، اما امری بسیار دشوار است. در این رویداد البته سخنرانی‌ها و واکنش‌های برخی از اصلاح‌طلبان در برابر کروی نیز بی‌تأثیر نبوده، زیرا با موضع‌گیری‌های تند و افراطی برخی اصلاح‌طلبان عملاً بذرفاق و دودستگی میان آنها پاشیده شد.

ماجرای مجلس ششم و تحصن نمایندگان اصلاح‌طلب و برخورد کروی با آن ماجرا هنوز ذهنیت اصلاح‌طلبان را نسبت به کروی تغییر نداده و به جز یکی دو گروه، سایر اعضای این جناح ترجیح می‌دهند خاتمی وارد انتخابات شود.

کروی و حزب اعتماد ملی که به هر قیمت مصر هستند در انتخابات سال آینده حضوری قدرتمند داشته

باشند، از تمامی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود برای قانع کردن اصلاح‌طلبان به حمایت از کروی استفاده کرده‌اند. آنها که از لحاظ دیدگاه اقتصادی و سیاسی تا حدودی با کارگزاران سازندگی اختلاف‌نظر دارند، کوشیدند با آوردن یکی از روزنامه‌نگاران وابسته به این جناح به روزنامه اعتماد ملی و انتشار مقالات و گزارش‌هایی جهت‌دار در حمایت از کروی، زمینه و فضای مناسبی برای موفقیت وی فراهم کنند.

در حال حاضر روزنامه ارگان این حزب مدتی است در ستونی ویژه انتخابات، نظر و دیدگاه طرفداران کروی را برای حضور وی در انتخابات منعکس می‌کند، زیرا معتقد است: کروی اصلاح‌طلبی است که می‌تواند از همه جریان‌های موجود کشور نظر بگیرد و با آنان در ارتباط باشد. وی در عین حال از قدرت چانه‌زنی و تعامل و گفت‌وگو برخوردار است و در برابر ضایع شدن حقوق افراد سکوت نمی‌کند.

موضع‌گیری‌های کروی در برابر جامعه مدرسین در بحث اصلاح قانون انتخابات، اعتراض به رد صلاحیت‌ها و برخی مواضع اثمه جمعه، اعتراض به برخورد نامناسب با زندانیان و مقابله با گروه‌ها و باندهای خودسر از ویژگی‌هایی است که طرفداران وی بر آن اصرار دارند. اما در طرف دیگر این جناح دوستداران و حامیان خاتمی قرار دارند که با وجود آن که می‌دانند شرایط کنونی کشور با سال ۷۶ تفاوت زیادی کرده، اما به دلایل خاصی همچنان خواهان بازگشت خاتمی به عرصه رقابت‌ها هستند. اصلاح‌طلبان طرفدار خاتمی که بیشتر از جبهه مشارکت و مجمع روحانیون مبارز هستند، معتقدند خاتمی در انتخابات سال ۸۸ باید حتماً حضور یابد، زیرا رویای حاکمیت یک‌دست نقش بر آب شده و پس از سه سال عمر دولت نهم نه تنها هر گونه نقد و انتقادی را تخریب و خیانت می‌دانند، بلکه سطح کارآمدی را طبق استانداردهای جهانی و ملی افزایش نداده که هیچ، حتی از حرکت در جهت برآوردن شعارهای تبلیغاتی خود نیز بازمانده و پس از سال‌ها دوباره موجبات قطع برق و آب را فراهم آوردند.

اینها همچنین عقیده دارند: در طول عمر سه ساله دولت نهم، شاهد افزایش دین‌گریزی، هتک حرمت مراجع، سست شدن پایگاه اخلاقی جامعه، تشدید ریا و دروغ و خروج نیروهای موثر و توانا از کشور هستیم.

جبهه مشارکت در تشریح داخلی خود در یادداشتی آورده است: انتخابات ریاست جمهوری در بهار سال آینده در شرایطی فرامی‌رسد که تهمت‌هایی که در سال‌های حضور اصلاح‌طلبان در حکومت به آنان زده می‌شد، رنگ باخته است. مهمترین این تهمت‌ها آن بود که اصلاح‌طلبان مشتی روشنفکر بی‌تعهد و بی‌درد هستند که به اقتصاد و معیشت مردم کاری ندارند، اما اینک سه سال پس از حذف کامل اصلاح‌طلبان از ارکان حکومت مشخص شده که آنها ظاهراً متهم به بی‌توجهی به اقتصاد شدند و کارنامه آنها بهتر از وضعیت کنونی است.

در حال حاضر بسیاری از سناریوهای مخالفان

اصلاحات برای خاتمی و حامیان‌اش افشا و تکرار آن دشوار شده است. اینکه اصلاح‌طلبان هم عصر عاشورا را از سر گذراندند و هم کنفرانس برلین را، هم با قتل‌های زنجیره‌ای مواجه شدند و هم کوی دانشگاه، هم توقیف مطبوعات را دیدند و هم ترور حجابیان را، بنابراین می‌دانند که با چه شرایطی روبرو خواهند شد.

با توجه به این عوامل از دیدگاه طرفداران خاتمی در بهار سال ۸۸ اجماع گسترده‌ای از نیروهای اجتماعی و نخبگان سیاسی و فرهنگی در نارضایتی از وضع موجود و حتی طرفداری از بازگشت به رویه دوران اصلاحات شکل گرفته که در آن طیف وسیعی از گروه‌ها حضور دارند، اجماعی گسترده‌تر و موثرتر از آنچه در حمایت از هاشمی در مرحله دوم انتخابات دور نهم شکل گرفت که همه خاتمی را انتظار می‌کشند.

انتخابات بهار سال آینده در حالی برگزار می‌شود که جناح اصلاح‌طلب از انسجام بیشتری نسبت به رقیب برخوردار است، به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود در صورت آمدن خاتمی، اصلاح‌طلبان به اجماع حداکثری برسند و در مقابل، جناح حاکم در بهترین حالت به شکل قهری حاضر به حمایت از احمدی‌نژاد شوند.

اصلاح‌طلبان حامی خاتمی معتقدند: وی و دولت‌مردانش تجربه یک بار اداره کشور را دارند و بر سر برنامه جامعی چون چهارم توسعه و سند چشم‌انداز توافق دارند و در این مسیر از حمایت نهادهایی چون مجمع تشخیص مصلحت نظام و حتی اصول‌گرایان میانه‌رو در مجلس برخوردار خواهند بود.

به اعتقاد این گروه هنوز هم مهمترین شکاف فعال در جامعه، شکاف دولت-ملت است و خاتمی شاید تنها نامزدی باشد که بتواند این شکاف را پر کند، چون از اعتماد نسبی مردم و حکومت برخوردار است و نامزدهای رادیکال در بهترین حالت، تنها اعتماد بخشی از جامعه را به دست خواهند آورد.

همان طور مشخص است وضعیت جامعه امروز ایران با سال ۷۶ تفاوت‌های فراوانی کرده، به این معنی که حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات سال آینده بسیار سخت است. و مشکلات جدی و انتظارات بالای مردم پیش‌روی آنهاست. آنها برای درست کردن بهشت برای مردم نیستند و اگر بتوانند حداقل وضعیت فعلی را بهبود بخشند و جلوی نابسامانی‌های اقتصادی را بگیرند، کار مهمی انجام داده‌اند، اما آرایش سیاسی نیروها تا این لحظه وضعیت ایده‌آلی را برای آنها نشان نمی‌دهد. علاوه بر اینها خاتمی اگرچه مورد حمایت بخش عظیمی از اصلاح‌طلبان است، اما با توجه به خصوصیات اخلاقی وی و سهم‌خواهی‌های احزاب این جناح از کابینه احتمالی او، بعید به نظر می‌رسد با تجربه‌ای که از ۸ سال اداره کشور آموخته، بار دیگر بخواهد از یک سوراخ گزیده شود.

در هر حال سرنوشت اصلاح‌طلبان بستگی به حضور یک نفر دارد، خاتمی یا کروی، و در صورت کنار رفتن یک کدام قطعاً پرونده این جناح برای مدت نامعلومی بایگانی خواهد شد.